

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلقی کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۵۲ جمعه ۳۱ خرداد ۱۳۹۸، ۲۱ ژوئن ۲۰۱۹

تحریم یک شرکت
پتروشیمی ایران به علت
تأمین منابع مالی سپاه
تروریست پاسداران

۳

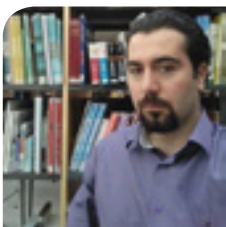
کودک آزاری در ایران
رتبه‌ی نخست را به خود
اختصاص داده است

۳

پیام تبریک مسئول
اجرائی حزب دمکرات
به نخست وزیر منتخب
اقلیم کردستان

۲

www.kurdistanmedia.com



راهکار از میان برداشتن،
یا کنترل کردن گروه‌های
تروریستی
مورد حمایت رژیم ایران

۷



خوانشی
از موقعیت کنونی رژیم ایران

۶



نظریه‌ی بینامتنیت در پرتو
تأویلی نو

۵



مخالفت با جنگ!

۴

کابوسی دیکتاتور



سفن

پیچ خطرناک رژیم

کریم پرویزی

مسئولان نظامی و پاسداران رژیم تهدید به بستن تنگه‌ی هرمز و ایجاد آشوب و تنش در منطقه می‌کنند. خامنه‌ای و روحانی و به اصطلاح سیاستمدارانشان از مقاومت خود و ب‌ب‌زانو درآوردن آمریکا می‌گویند و تهدید می‌کنند که منافع کشورهای منطقه را به خطر می‌اندازند. بخشی از به اصطلاح دیپلمات‌هایشان به منطقه و جهان گسیل می‌شوند تا آینده‌ی ملامال از جنگ و آشوب را تصویر کرده و سیاسیون آمریکا و غرب را بترسانند که فشار بیشتر علیه ایران موجب آشوب و تنش بیشتر می‌شود و همچنین موجب سرازیر شدن تریاک و پنهانده به اروپا می‌شود. این جمع‌بندی سیاست جمهوری اسلامی در مقابل دور تازه‌ی فشارهای آمریکا علیه این رژیم است. استراتژی جمهوری اسلامی در این مرحله اینگونه که پیداست عبارتست از گزاف نشان دادن هزینه‌ی فعالیت‌های آمریکا به علاوه‌ی فعالیت نظامی آن کشور نیز. به عبارتی دیگر جمهوری اسلامی می‌خواهد با تمامی تاکتیک‌های دیپلماتیک و تهدیدهای نظامی و پاسدارها و درگیری‌های مرزی و گفته‌های سیاسیونش اینگونه نشان دهد که هر فعالیت آمریکا چه سیاسی و اقتصادی برای جهان و منطقه به دنبال دارد و چنانچه مسئولان آمریکایی گفتند، رژیم تهران می‌خواهد از طریق باجگیری به بقای خود و سیاست‌هایش ادامه دهد. سیاست اصلی جمهوری اسلامی که بر اساس آن نیز تأسیس شده است عبارت از جنگ طلبی و ایجاد آشوب، تحت عناوین گوناگون همچون صدور انقلاب یا آزادی قدس یا طی این سالهای اخیر وسعت

ادامه در صفحه‌ی ۲

اگرچه خبرگزاری‌های رژیم تهران وجود چنین نامه‌ای را رد می‌کنند اما فاکس نیوز این موضوع را تأیید کرده و اعلام کرده: در این پیام آمده است: آمریکا خواهان جنگ نیست و خواستار گفتگو است بنابراین ایران هرچه سریعتر پاسخ دهد! همزمان با این رویدادها، شرکت هوایمایی «کانتاس» استرالیا و شرکت هوایمایی هلندی "KLM" سامانه‌ی هواگرد فدرالی آمریکا و بریتیش ایروز بریتانیا هرگونه رفت و آمد هوایمهای خود بر فراز آب‌های خلیج و تنگه‌ی هرمز را ممنوع اعلام کرد. فاکس نیوز نیز نوشته است: گمان می‌رود ترامپ از اجازه‌نامه‌ی مصوب سال ۲۰۰۱ علیه القاعده و ارتباط این سازمان تروریستی با جمهوری اسلامی استفاده کند تا تاسیسات اتمی نطنز را مورد هدف قرار دهد. به طور کلی آن چه که اکنون در رابطه با ایران به میان آمده، عبارتست از ترس و خوف و هراسی به تمام معنا از سوی جمهوری اسلامی به گونه‌ای که خواب خوش را از آن‌ها حرام کرده بنابراین چنانچه فاکس نیوز آشکار ساخته تمام نیروهای خود را در حالت آماده باش قرار داده‌اند.

روز پنجشنبه‌ی خود از زبان مسئولان آمریکایی منتشر کرده که ترامپ در واکنش به انهدام هوایمهای آمریکایی، دستور به حمله محدودی علیه جمهوری اسلامی را صادر کرده اما در مراحل ابتدایی این عملیات، حمله متوقف شد. بنابر گزارشی که مورد اشاره قرار گرفت، قرار بوده ساعت ۷ بعدازظهر به وقت واشینگتن حمله‌ای برنامه‌ریزی شده علیه شمار مشخصی از مراکز نظامی ایران همچون مراکز راداری و پدافند موشکی انجام شود اما در آخرین لحظات نزدیک به آغاز عملیات ترامپ دستور توقف آن را صادر کرد؛ هرچند که نیویورک تایمز نوشته است تاکنون مشخص نیست که این حمله در کل متوقف شده یا به صورت موقتی! اما این موضوع از سوی خود ترامپ نیز تأیید شده است؛ ترامپ در چند توییت اظهار کرده که فقط ۱۰ قرارگاه‌های ایران دستور توقف حمله را صادر کرده است. در همین رابطه، امروز جمعه ۳۱، سی و یکم خرداد ماه، خبرگزاری رویترز در گزارشی ویژه اعلام کرد که دونالد ترامپ هشدار جدی دیگری به مقامات عالی ایران داده و به «حمله‌ی نزدیک و ناگهانی» از طریق دریای عمان اشاره کرده؛

خطرناک رویه‌رو هستیم که در تلاش برای ایجاد آشوب است و می‌خواهد تنش‌ها را افزایش دهد. دونالد ترامپ نیز در رابطه با واکنش کشور گفته است: تا مدتی دیگر مشخص خواهد شد. من نمی‌خواهم در رابطه با این مسئله سخن بگویم فقط می‌گویم ایران اشتباه بزرگی مرتکب شد. به گفته‌ی فرماندهی سنتکام، پهباد آمریکایی با موشک زمین به هوای سپاه پاسداران و در ۳۴ کیلومتری خلیج ایران مورد هدف قرار گرفته؛ بنابر قوانین بین‌المللی ۱۲ مایل دریایی یعنی ۲۲ کیلومتر مرز کشورها به شمار می‌آید. از سوی دیگر نیز نماینده‌ی همیشگی رژیم در سازمان ملل متحد روز پنجشنبه، نامه‌ای برای رئیس و مسئول شورای امنیت این سازمان ارسال کرده که در آن آمده است تهران خواستار جنگ نیست و فقط از خود دفاع می‌کند! از سوی دیگر نیز جانشین سیاسی وزارت خارجه‌ی رژیم در تماسی با سفیر سوئیس در تهران به عنوان مدافع منافع آمریکا، معترض شده که گویا آمریکا به مرزهای ایران تعرض کرده است. مجموع این سخنان در حالی است که نیویورک تایمز، در شماره‌ی

پهباد آمریکا خارج از مرزهای هوایی ایران و در خط هوایی بین‌المللی مورد هدف قرار گرفته است.» این اتفاق که از سویی موجب خوشحالی مردم ستمدیده‌ی ایران شده بود و از سوی دیگر نیز نمایندگان فاشیزم تهران را دچار ترس کرد، واکنش سریع و جدی آمریکا را به دنبال داشت؛ بعدازظهر همان روز جلسه‌ای اضطراری در کاخ سفید برای بخشی از نمایندگان عالی رتبه‌ی کنگره‌ی آمریکا برای مدت یک ساعت و نیم تشکیل شد. گرچه تاکنون جزئیات این جلسه منتشر نشده اما برخی از شرکت‌کنندگان بدینگونه نظر خود را اعلام کردند: «میچ مک کانل»، سناتور جمهوریخواه گفته است آن چه که می‌توانم بگویم این است که موشکی که موجب سقوط پهباد ما شد از داخل خاک ایران پرتاب شده و اکنون مشغول تحلیل پاسخی مناسب به این اقدام رژیم هستیم. همچنین «ناسی پلوسی» رئیس مجلس نمایندگان در بیانیه‌ای گفته است: این وضعیت خطرناک است، آشفته‌گی‌ها در اوج خود هستند بنابراین لازم است عاقلانه و استراتژیک گام برداریم؛ باید همگی این را بدانند که ما با رژیم

فرمانده‌ی کل سپاه تروریستی پاسداران از تعرض به مرز هوایی ایران، از سوی پهبادی آمریکایی سخن گفته؛ مسئله‌ای که آمریکا آن را رد و اعلام کرده که پهباد در خارج از مرزهای ایران مورد هدف قرار گرفته. بنابر خبرهایی که در خبرگزاری‌های رژیم منتشر شده‌اند، پاسدار «حسین سلامی» فرمانده‌ی کل سپاه تروریستی پاسداران، روز پنجشنبه، سی ام خرداد ماه در کنگره‌ای که برای ۵۴۰۰ نفر از کشته شدگان و قربانیان سیاست‌های اشتباه رژیم در استان سندج برگزار شده بود، گفته است: «بامداد امروز، یک هوایمهای بدون سرنشین آمریکایی در حالی که قصد ورود به مرز هوایی ایران و حمله به منافع ایران را داشته از سوی نیروهای هوا فضای سپاه پاسداران مورد هدف قرار گرفته و در آسمان منفجر شده است. خبرگزاری‌های رژیم در حالی این خبر را منتشر کرده‌اند که «بیل اوربین» سخنگوی ستاد مرکزی فرماندهی آمریکا، «سنتکام»، اعلام کرده که هیچ عملیات پهبادی را در آسمان ایران انجام نداده است؛ یک مسئول آمریکایی نیز که نخواست نامش فاش شود به «فاکس نیوز» گفته است: «این

سمیناری در رابطه با سالگرد ترور دکتر قاسملو برگزار شد



ایران، مسعود تک، رهبر حزب سوسیالیست کردستان باکوور و ابراهیم گوجلو، مبارز دیرین کردستان باکوور در این سمینار درباره شخصیت دکتر قاسملو سخنرانی کردند. هدف رژیم ایران از ترور دکتر قاسملو و تأثیر آن بر جنبش ملت کورد در کردستان ایران، تاریخچه حزب دمکرات در زمان رهبری دکتر قاسملو، تاریخ جنبش ملت کورد و توطئه دشمنان برای ترور رهبران کورد، تأثیرات این ترورها بر جنبش ملت کورد در کردستان ایران و نقش و شخصیت دکتر قاسملو در رهبری حزب دموکرات و جنبش ملت کورد در سطح داخلی و بین‌المللی موضوعاتی بودند که در این سمینار مورد بررسی قرار گرفتند. این سمینار با محکوم کردن رژیم تروریستی ایران، گرامی داشتن نام و یاد دکتر قاسملو، ابراز همدردی و حمایت از حزب دمکرات و جنبش ملت کورد در کردستان ایران به پایان رسید. در حاشیه این سمینار، محمد صالح قادری چندین مصاحبه را در رابطه با این سمینار و وضعیت جنبش ملت کورد در کردستان روزگلات با رسانه‌ها انجام داد.

سمیناری در رابطه با سی‌امین سالگرد ترور دکتر قاسملو، رهبر کاریماتیک ملت کورد در شهر دیاربکر کردستان باکوور با حضور نمایندگان احزاب، روشنفکران و شخصیت‌های سیاسی برگزار شد. روز یکشنبه نوزدهم خردادماه، ساعت یک بعد ظهر بر اساس برنامه‌ای که توسط وقف «اسماعیل بشکچی» در شهر دیاربکر کردستان ترکیه ترتیب داده شده بود، سمیناری جهت سی‌امین سالگرد ترور دکتر قاسملو برگزار شد. این سمینار با مشارکت هیئتی از سوی حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی «محمد صالح قادری» مسئول روابط کردستانی حزب دمکرات و شماری از احزاب، سازمان‌های سیاسی، روشنفکران و شخصیت‌های سیاسی کردستان باکوور و رسانه‌ها، با یک دقیقه سکوت جهت احترام به شهیدان کردستان برگزار شد. این سمینار با نمایش مستندی درباره زندگی دکتر عبدالرحمن قاسملو آغاز به کار نمود و اسماعیل بشکچی، نویسنده سرشناس ترکیه، محمد صالح قادری نماینده حزب دمکرات کردستان

پیام تبریک مسئول اجرائی حزب دمکرات به نخست وزیر منتخب اقلیم کردستان



حزب دمکرات کردستان ایران
مسئول اجرائی
مصطفی هجری
۲۲ خرداد ۱۳۹۸
خورشیدی
۱۲ ژوئن ۲۰۱۹ میلادی

استفاده درست از فرصتها، موانع سر راه را با موفقیت سپری کرده و اقلیم کردستان را به سوی صلح و آرامش و آبادانی سوق دهید. با احترام

و انتظارات مردم از کابینه‌ی جدید حکومت با سرپرستی شما در سطح بالا بیست، مسئولیت بسیاری بزرگی بر دوشتان قرار گرفته است. امیدواریم با احساس به این مسئولیت و در عین حال،

مسئول اجرائی حزب دمکرات کردستان ایران، در پیامی تبریک حزب دموکرات را به مسرور بارزانی، نخست وزیر منتخب اقلیم کردستان عراق رسانید. متن پیام بدینگونه می‌باشد: جناب مسرور بارزانی سلامی دوستانه، از جانب خودم و حزب دمکرات کردستان ایران، مراتب تبریک خود را به مناسبت انتخاب شما از سوی پارلمان اقلیم کردستان جهت نخست وزیری این اقلیم اعلام می‌دارم. بی‌شک در این مرحله که اقلیم کردستان با مشکلات و کمبودهای داخلی و خارجی روبه‌رو می‌باشد

اطلاعیه نمایندگی حزب دمکرات در «همبستگی برای آزادی و برابری در ایران»



این رژیم ضد بشری انجام می‌شوند، استقبال نموده و بر این سیاست نیز اصرار دارد. در رابطه با انتشار این بیانیه اشتباهی از سوی نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در «همبستگی برای آزادی و برابری در ایران» رخ داده و بدین منظور عذرخواهی می‌کنیم.

نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در «همبستگی برای آزادی و برابری در ایران»
۲۶ خرداد ماه ۱۳۹۸

اعضای حزب و همچنین بخشی از دوستان و هوادارن حزمان شده است. بدینوسیله افکار عمومی کردستان را آگاه می‌سازیم که متن کلی این بیانیه سیاست حزب دمکرات کردستان ایران نمی‌باشد. حزب دمکرات کردستان ایران بحران‌ها می‌داند. حزب دمکرات کردستان ایران همیشه از تمام اعمالی که در چارچوب سرنگونی رژیم یا به منظور تضعیف

نمایندگی حزب دمکرات در «همبستگی برای آزادی و برابری در ایران» در رابطه با یکی از بیانیه‌های همبستگی به منظور تنویر افکار عمومی اطلاعیه‌ای منتشر کرد. متن این اطلاعیه به صورت ذیل می‌باشد جهت تنویر افکار عمومی پس از آغاز تنش‌هایمیان رژیم جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه و برخی دیگر از کشورها، «همبستگی برای آزادی و برابری در ایران» که از ۱۰ حزب و سازمان، از جمله حزب دمکرات کردستان ایران تشکیل شده است در تاریخ دوم خرداد ماه ۹۸، برابر با ۲۳ مه ۲۰۱۹ میلادی بیانیه‌ای را منتشر کرد. این بیانیه که تحت عنوان «بالا گرفتن تنش، افزایش خطر جنگ فرصتی برای سرکوب مبارزات مردم ما علیه نظام جنایت کار و فاسد جمهوری اسلامی ایران!» منتشر شده، موجب نگرانی برخی از

ادامه‌ی سخن

بخشیدن به جبهه‌ی «مقاومت» و ایجاد هلال شیعه بوده است. در راستای همین سیاست‌ها بود که خمینی می‌گفت جنگ نعمتی الهی است، یا خامنه‌ای می‌گوید برای بقا و مقاومت‌ماندر سوریه و لبنان می‌جنگیم و گرنه مجبور خواهیم بود در خوزستان و در داخل ایران با آن‌ها بچنگیم. این سیستم ایدئولوژیک جهت پوشاندن فساد و ناتوانی و جهل و خرافاتش به آشوب و تنش نیازمند بوده و اکنون نیز بیشتر از هر زمان دیگری آشوب را لازم می‌داند. نداشتن جایگاه داخلی، که از سخنان خود خامنه‌ای مشهود است؛ این رژیم را دچار ترس کرده و به طور مداوم به فکر نفوذ دشمن در میان مردم است. این موضوع و سیاست افزون طلبی و تندروی، آن‌ها را به سوی آشوب بیشتر در منطقه سوق داده ست. در همین راستا بود که هرچند در چارچوب برجام با آمریکا و اروپا و روسیه و چین به توافق رسیدند، اما دست از پرتاب موشک و فرستادن پاسدارها به مناطق دیگر و ترور و آشوب برداشتند تا جایی که اکنون احتمال درگیری بزرگ نظامی آنها را دچار وحشت کرده است. سیاست جنگ طلبی و آشوب تاکنون دلیل اصلی بقای این رژیم بوده است که تحت عنوان دشمن خارجی هم تروریسم و گروه‌های تندرو را در منطقه افزایش داده‌اند و هم در ایران نیز سرکوب مردم را به آسانی انجام داده‌اند. اما این بار وضعیتشان دشوار است؛ هرچند نیاز دارند که کمی تنش ایجاد شود تا در زمان تسلیم شدن امتیاز بیشتری را کسب کنند، اما این تنش‌ها شبیه تنش‌های گذشته نیست! این بار سخن از بقا و نابودی است و یک اشتباه امکان بمباران جماران و پرتاب بمب توسط بمب افکنهای بی ۵۲ را به دنبال خواهد داشت! بدین دلیل است که خامنه‌ای این روزها لکنت زبان گرفته، چرا که این بار آتش به جان خودش خواهد افتاد.

شاگردان پیشوا در خط مقدم مبارزه هستند

سخنان «منگوری»، سرود «قاسملو» توسط شرکت کنندگان دوره مقدماتی تقدیم شد. در بخش دیگری از مراسم، گزارش آموزشی دوره از سوی «همین رسول آبادی» قرائت گردید و همچنین پیام دوره از سوی «شورش آبدانان» خوانده شد. سپس «امید قادری» از شرکت کنندگان دوره‌ی ۲۳۶ مقدماتی پیشمرگه آهنگی را تقدیم کرد. در بخش دیگر این مراسم، به نفرات اول تا سوم در بخش سیاسی - نظامی و نرم و دیسپلین توسط «همین دهقان» فرماده‌ی نظامی جوایزی اهدا شد. در ادامه مراسم پایان دوره ۲۳۶، چندین شعر و سرود تقدیم حاضرین در مراسم گردید.



«رحیم منگوری» اعضای شورای سیاستگذاری حزب دمکرات کردستان ایران، به مناسبت پایان دوره‌ی ۲۳۶ مقدماتی پیشمرگه سخنانی ایراد نمود. بعد از

پیشمرگه اهدا شد. سپس شرکت کنندگان دوره ۲۳۶ مقدماتی پیشمرگه، سوگند میهنی یاد کردند که تا پای جان به آرمان‌ها و اهداف ملت و حزب، وفادار بمانند. سپس

یک دقیقه سکوت جهت ادای احترام به یاد و خاطره شهیدان راه آزادی کردستان، آغاز شد. در بخش دیگر این مراسم، به نفرات دوره‌ی مقدماتی پیشمرگه کارت

مراسم پایانی دوره‌ی ۲۳۶ مقدماتی پیشمرگه در کوهستان‌های کردستان برگزار شد و طی آن گروه دیگری از آزادیخواهان کردستان به صفوف پیشمرگه ملحق شدند. به گزارش خبرنگار وبسایت کردستان، میدیا در کوه‌های کردستان، روز دوشنبه، بیستم خردادماه، طی مراسم باشکوه، دوره‌ی ۲۳۶ مقدماتی پیشمرگه، با مشارکت شماری از اعضای رهبری حزب، فرماندهان نظامی، کادر سیاسی و نظامی، پیشمرگه و مهمانان برگزار شد. در ابتدای این مراسم با سان نظامی از «رحیم منگوری» اعضای شورای سیاستگذاری حزب دمکرات کردستان ایران، استقبال شد. این مراسم با اجرای سرود ملی «ای رقیب» و سپس

ساکنین روستای باینجان از وضعیت زندگیشان ناراضی هستند

رفاهی این روستا برق است، این در حالیست که امروزه شیوهی زندگی به علت امکانات و پیشرفت تکنولوژی دستخوش تغییرات چشمگیری شده و عصر، عصر تکنولوژی است و لازم است که مردم از امکانات رفاهی برخوردار باشند، تا زندگی توأم با آرامش را سپری کنند. مسئولان رژیم هیچ توجهی به روستاها و پیشه‌هایی همچون دامداری و کشاورزی نمی‌دهند، به همین دلیل جمعیت شهرها روز به روز رو به افزایش است مشکلات اجتماعی و معضلات هم در حال افزایش‌اند.



کاهش درآمد و تولید در بخش دامداری، نبود امکانات و همچنین بی‌توجهی مسئولان رژیم می‌باشد. به گفته‌ی ساکنین روستای «باینجان»، تنها امکانات

مدرسه‌هایشان تخریب شده و هر لحظه امکان جان باختن و زخمی شدن دانش آموزان بر اثر ریزش دیوارها وجود دارد. پیشه‌ی اصلی ساکنین این روستا دامداری است، اما

کیلومتری، نبود آنتن موبایل، نبود مدرسه، مسجد و خانه بهداشت، از جمله مشکلات اصلی هستند که ساکنین این روستا از آن رنج می‌برند؛ دانش آموزان می‌گویند، که دیوار

شیمیایی شده، با این حال ساکنین این روستا تا همین اواخر نیز کوچ قابل توجهی به سمت شهرها نداشته‌اند. ساکنین این روستا می‌گویند، نبود گاز، جاده‌ی خاکی ۹

ساکنین روستای باینجان از توابع شهر بانه به دلیل نبود امکانات رفاهی و وضعیت نامناسب زندگیشان معترض هستند. ویدیویی منتشر شده از صدا و سیمای رژیم ایران در شهر سنندج نشان می‌دهد، که ساکنین روستای باینجان واقع در ۳۲ کیلومتری شهر بانه، از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی محروم و همزمان با رنج مضاعف و همچنین شیمیایی باران این روستا در زمان جنگ میان ایران و عراق، تاکنون نیز، نه آب آشامیدنی پاک دارند نه خانه بهداشت و نه حتی مدرسه برای فرزندان. یعنی این روستا ۳۶ سال پیش، یعنی در سال ۶۲ دچار بمب باران

یک شرکت پتروشیمی ایران به علت تأمین منابع مالی سپاه تروریست پاسداران تحریم شد



وزارت امور خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا بزرگترین شرکت پتروشیمی ایران و شبکه گسترده‌ای از نمایندگان را به علت تأمین منابع مالی سپاه تروریست پاسداران به فهرست تحریم‌ها افزود. «استیو منوچین»، وزیر خزانه‌داری آمریکا روز جمعه اعلام کرد، تحریم‌های جدید ایالات متحده آمریکا صنعت پتروشیمی ایران از جمله بزرگ‌ترین هلدینگ این صنعت را که حامی مالی سپاه تروریست پاسداران به شمار می‌رود، نشانه گرفته است. مطابق اعلام وزارت خزانه‌داری آمریکا هلدینگ خلیج فارس ۴۰ درصد ظرفیت تولید و ۵۰ درصد ارزش صادرات صنعت پتروشیمی ایران را در اختیار دارد. وزارت خزانه‌داری آمریکا با استناد به سخنان سال گذشته وزیر نفت رژیم اسلامی ایران مدعی شده که قرارگاه «خاتم الانبیا» که بازوی اقتصادی و مهندسی سپاه پاسداران محسوب می‌شود، در مجموع ۱۰ پروژه فعال به ارزش ۲۲ میلیارد دلار در صنعت پتروشیمی ایران دارد که رقم این قراردادها معادل ۴ برابر بودجه رسمی و دولتی سپاه تروریست پاسداران است. همچنین، «مایک پیمو»، وزیر خارجه آمریکا نیز در واکنش به تحریم‌های اعلام شده از سوی وزارت خزانه‌داری این کشور علیه صنعت پتروشیمی ایران که منبع تأمین مالی سپاه تروریست‌پاسداران است، در توییتهای نوشت: «فشار حداکثری بر ایران همچنان ادامه دارد و آمریکا نظام مالی مورد نیاز سپاه تروریست پاسداران برای بی‌ثبات کردن خاورمیانه را از بین خواهد برد». در این رابطه، «جان بولتون» مشاور امنیت ملی کاخ سفید، پس از اعلام خبر تحریم صنایع پتروشیمی ایران از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا، در پیامی در توییتر نوشت: «ایران پولش را خرج حمایت و اجرای تروریسم می‌کند که به مشکلات جدی اقتصادی در ایران منجر شده و مدام بدتر از این خواهد شد».

انجمن حامیان محیط زیست پیرانشهر اطلاعیه‌ای را منتشر کرد



از آتش‌سوزی چندین مورد را پیشنهاد داده‌اند، از جمله: «در جاهایی که پوشش گیاهی بالاست آتش روشن نشود»، «خاموش کردن آتش و اطمینان از خاموشی آن»، «دور نینداختن و جا نگذاشتن زباله‌هایی که در مواقع گرما موجب آتش‌سوزی می‌شوند»، «با وجود از خود گذشتگی‌ها، مطلع کردن سازمان و مراکز حفظ محیط زیست در مواقع آتش‌سوزی». در پایان این اطلاعیه، از اعضا و شهروندان خواسته شده که جهت هر گونه حادثه پیش‌بینی نشده از این قبیل آماده باشند و در مواقع آتش‌سوزی بشتابند تا بیش از این به محیط زیست کوردستان آسیب وارد نشود.

وسایل آتشی نشانی در این مناطق، وظیفه‌ی ساکنین و به ویژه فعالان محیط زیست را سنگینتر نموده است و ضروری است که در مکان‌هایی که احتمال خطر آتش‌سوزی وجود دارند با حساسیت بیشتر برخورد شود. در این رابطه جهت پیشگیری

آتش‌سوزی را افزایش داده که کنترل آن مشکل می‌باشد. این انجمن در ادامه‌ی این اطلاعیه نوشته است: وسعت جنگل‌ها و پوشش گیاهی در کوردستان، با وجود نهادهای مرتبط با حفظ محیط زیست، اما به دلیل عدم بودجه، کمبود نیروی انسانی و عدم ابزار و

انجمن حامیان محیط زیست پیرانشهر نسبت به آتش‌سوزی این اواخر مراتع و جنگل‌ها اطلاعیه‌ای را منتشر کرد. حامیان محیط زیست پیرانشهر، جهت آتش‌سوزی این اواخر مراتع و جنگل‌های کوردستان در اطلاعیه‌ای خطاب به مردم کوردستان خواستار این شدند که نسبت به حفظ محیط زیست کوردستان بی‌توجه نباشند. در این اطلاعیه آمده که مناطق زاگروس بیش از ۴۰ درصد وسعت همگی جنگل‌های ایران را پوشش می‌دهد. همچنین اذعان شده که بارندگی‌های امسال نسبت به سال‌های اخیر محیط زیست و طبیعت کوردستان را سرسبزتر کرده‌است و رشد گیاهان افزایش بیشتری به خود داشته است و همین موضوع احتمال

کودک آزاری در ایران رتبه‌ی نخست را به خود اختصاص داده است



همسر آزاری در خانواده‌های ایران رایج گشته است. بر اساس گزارش‌های «یونیسف» و همچنین سازمان‌های بین‌المللی که

خشونت خانوادگی به چندین صورت تعریف شده است و بر اساس سطح و نوع خشونت با به شیوه‌های مختلف تقسیم شده است که کودک آزاری و

آزار و اذیت کودکان در خانواده‌های ایرانی، بالاتر از همگی خشونت‌ها قرار دارد. رئیس فوریت‌های اجتماعی سازمان بهزیستی رژیم ایران اعلام کرد: بر اساس آمار و اسناد، از گروه‌های خشونت آمیز خانواده‌ای، کودک آزاری در رتبه‌ی اول و به دنبال آن همسر آزاری در رتبه‌ی دوم می‌باشد. نامبرده، با اشاره به افزایش میزان کودک آزاری در خانواده‌های ایرانی، می‌گوید: آزدن کهن‌سالان و معلولان در رتبه‌های سوم و چهارم این خشونت‌ها قرار دارد.

ابرازشادمانی دانش آموزان تعطیلی مدرسه را به دنبال داشت

دانش‌آموزان به بعد از اتمام امتحانات موکول شده است. رژیم ایران رقص و پایکوبی دانش‌آموزان به همراه موسیقی در مدارس را ممنوع کرده است و تنها موسیقی‌هایی که منطبق با ایدئولوژی رژیم اسلامی ایران باشد در مدارس اجازه پخش دارند.

شود. اداره آموزش و پرورش ارومیه نیز از احتمال لغو امتیاز این مدرسه خبر داد و اعلام کرد: تصمیم‌گیری درباره ادامه فعالیت واحد آموزشی غیردولتی ذکر شده به جهت تقارن با امتحانات خردادماه و رعایت مصالح آموزشی

برانگیخت و در پی آن «هادی بهادری»، نماینده ارومیه در مجلس رژیم ایران، روز جمعه شانزدهم خرداد ماه به خبرگزاری فارس گفت: «در جلسه‌ای که هفته گذشته تشکیل شد، تصمیم گرفته شده که این مدرسه غیرانتفاعی در کل سلب امتیاز شده و تعطیلی



رقص نشان می‌داد. انتشار این ویدئو موجی از واکنش‌ها را

انتشار ویدیویی از رقص دانش‌آموزان و معلمان مدرسه‌ای در شهرستان مهاباد باعث تعطیلی این مدرسه و برکناری مدیر آن شد. دو هفته پیش ویدیویی در شبکه‌های مجازی منتشر شد که معلمان و دانش‌آموزان مدرسه‌ای در مهاباد را در حال

مخالفت با جنگ!

در سال ۱۳۶۷، فاجعه‌ی «کهریزک»، ترور و کشتار صدها آزادیخواه در داخل و خارج از کشور و ده‌ها جنایت هولناک دیگر بخشی دیگر از کارنامه‌ی سیاه جمهوری اسلامی است.

سیاست و اقدامات رژیم در مدت ۴۰ سال گذشته به وضوح ثابت می‌کند که جمهوری اسلامی خود جنگ است، آغازکننده‌ی جنگ است و در جنگ و آشوب به سر می‌برد!

چهل سال است بدون توقف در ایران جنگ رژیم ایدئولوگ و سرکوبگر جمهوری اسلامی در تمام زمینه‌ها علیه مردم ایران در حال انجام است، مشخص نیست که مردم ایران بدتر از آن باید از چه جنگی به‌راسند؟! از این هم بگذریم که جمهوری اسلامی در هر زمانی که احساس ترس می‌کند و مردم ستم‌دیده علیه ظلم و

حقوق و آزادی‌هایشان، به بزرگترین مشکل کشور تبدیل شده و با جدیت تمان اتحاد خاک ایران را تهدید می‌کند. نقض حقوق و آزادی‌های ملت‌های ایران، سرکوب گسترده، فساد و افزایش فقر و بیکاری و اعتیاد و ده‌ها مشکل

آزادیخواهان و دگراندیشان برداشته و ابتدایی‌ترین حق و آزادی ملت‌های ستم‌دیده را برای آن‌ها قائل شده باشد! دفاع از بقای این رژیم به بهانه‌ی مخالفت با جنگ، دلسوزی برای مردم و «تمامیت ارضی» یا به دلیل

به سود خود است. هدف دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در سخنانش در روز ششم ژوئن ۲۰۱۹ در ژاپن به وضوح دیده می‌شود که گفت: «ایران با رهبران کنونی خود می‌تواند به کشوری بزرگ تبدیل شود!»

باید دونالد ترامپ بدهد! اساساً نمی‌توان مخالف کردن و نکردن با پدیده‌ی جنگ را از لحاظ تاریخی مطلق شمرد، این موضوع به ماهیت و هدف جنگ بستگی دارد: جنگی که در ماهیت و محتوا به منظور مورد ستم قراردادن و حذف آثار ویژگی‌های ملتی انجام می‌شود، جنایت علیه بشریت است و با جنگ آزادیخواهان ی ملتی که تحت ستم اشغالگر است به منظور رهایی از ظلم و ستم و تحقق حقوق و آزادی انجام می‌شود تفاوت دارد. این جنگ جزء مقوله‌ی مبارزه و دفاع مشروع است.

سازمان ملل متحد نیز تفاوتی بسیاری میان جنگ آزادیخواهانه و جنگی که به منظور سرکوب

و مورد ستم قرار دادن رخ دهد قائل است. بنابر هیچ معیار دمکراتیک و انسانی جنگ علیه رژیم آدولف هیتلر، علیه رژیم صدام حسین و علیه داعش یا مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی ملت کورد علیه ظلم و ستم و ترور و سرکوب و تبعیض سیستماتیک جمهوری اسلامی، به عنوان جنگ نامشروع شناخته نمی‌شود.

همچنین، مخالفت با جنگ و هر پدیده‌ی دیگری زمانی مورد قبول قرار خواهد گرفت و جدی شمرده خواهد شد که بنابر اصول و باور باشد نه گزینشی (SELECTIVE) که با قصد و انگیزه‌ی پنهان دفاع از استبداد و طرف جنگ طلب اظهار شود.

آیا افراد و طرف‌هایی که اکنون به دلیل و انگیزه‌ی متفاوت، علیه جنگ ایستاده‌اند، آماده‌اند جنگ و جنایات چهل ساله‌ی جمهوری اسلامی علیه ملت کورد که تنها گناهی کورد بودن است و خواستار حق و آزادی خود در ایران است را محکوم نمایند و قاطعانه علیه آن موضع بگیرند؟

سکوت در برابر کشتار ده‌ها هزار نفر از مردم بی دفاع و پیشمرگه‌ی آزادیخواه، تبعیض و محروم نمودن کودک کورد از خواندن به زبان مادری به عنوان حقی بنیادی، اعدام رهبران و آزادیخواهان کورد، کشتار روزانه‌ی کولبرهای بی گناه کورد، سرکوب هرگونه حرکت و فعالیت فرهنگی در کوردستان، ترور، انفجار و موشک باران مقر احزاب سیاسی که تنها بخشی کوچک از جنایات ۴۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی در کوردستان است و به هیچ بهانه‌ای توجیه نخواهد شد. با این امید که فعالان مخالف جنگ، گناهان

جمهوری اسلامی علیه کورد را نیز جنگ بدانند و آن را محکوم نمایند و در مقابل آن موضع بگیرند، باشد که ما نیز با آن‌ها هم صدا شویم.

همین رئیس جمهور آمریکا بیشتر چندین بار گفته بود که رهبران جمهوری اسلامی تروریست، دزد و فاسد، ناقض حقوق و آزادی مردم ایران، جنایتکار و بزرگترین حامی

شکل نگرفتن جایگزین برای جمهوری اسلامی، مورد قبول نیست و چشم پوشی و فریب مردم و تنها زست گرفتن به مخالفت با جنگ است. غیرقابل باور است که تحت نام

و آسیب اجتماعی دیگر، محصول چهل سال دیکتاتوری جمهوری اسلامی هستند و این موارد هیچ راه و انگیزه‌ای برای مردم ایران باقی نگذاشته که حتی در برابر تهدید و خطر

دفاع از بقای این رژیم به بهانه‌ی مخالفت با جنگ، دلسوزی برای مردم و «تمامیت ارضی» یا به دلیل شکل نگرفتن جایگزین برای جمهوری اسلامی، مورد قبول نیست و چشم پوشی و فریب مردم و تنها زست گرفتن به مخالفت با جنگ است.

تروریسم بین‌المللی هستند! اکنون چه شده که این رهبران گناهکار اگر زیر بار

مخالفت با جنگ، از ادامه‌ی جنگ و سرکوب و استبداد دفاع شود!

خارجی نیز از رژیم حمایت کنند! برعکس آرزو می‌کنند که هرطور شده جمهوری اسلامی

ستم حکومت قیام می‌کنند و خواستار سقوط رژیم می‌شوند، سرسپرده‌های آشکار و مخفی



خواستارهای آمریکا بروند یک شبه فرشته می‌شوند و دوست و متحد دونالد ترامپ! پاسخ این سوال نیز که ایران چگونه با وجود این رهبران که به گفته‌ی ترامپ تروریست،

و این به هیچ وجه نه به معنای توجیه و حمایت از جنگ و نه به معنای دفاع از آمریکا است آمریکا جهت تامین منافع خود با ایران دچار مشکل شده است نه بر سر نقض حقوق و آزادی

سقوط نماید و آزادانه نفسی آسوده بکشند. شماری شخص و طرف به بهانه‌ی مخالفت با جنگ، مستقیم و غیرمستقیم به گونه‌ای به دلسوزی برای دیکتاتور

حکومت سریعاً به خود می‌آیند و به نام نگرانی از «تجزیه‌ی ایران، شروع به تهمت زدن و گناهکار دانستن ملت‌های تحت ستم و همچنین به بهانه تراسی برای ضرورت بقای

آمریکا جهت تامین منافع خود با ایران دچار مشکل شده است نه بر سر نقض حقوق و آزادی ملت‌های ایران و برای تامین دمکراسی در ایران و یا تنش با جمهوری اسلامی. خواسته‌ی آمریکا به وضوح «تغییر رفتار» جمهوری اسلامی به سود خود است.

دزد و فاسد، ناقض حقوق و آزادی مردم ایران، جنایتکار و بزرگترین حامی تروریسم بین‌المللی هستند، می‌تواند به کشوری بزرگ تبدیل شود را

میت‌های ایران و برای تامین دمکراسی در ایران و یا تنش با جمهوری اسلامی. خواسته‌ی آمریکا به وضوح «تغییر رفتار» جمهوری اسلامی

پرداخته‌اند که گویی جمهوری اسلامی تغییری عمیق و اساسی در سیاست و اقداماتش به ویژه در داخل ایران ایجاد کرده است، دست از سرکوب و ترور

استبداد و دیکتاتوری اسلامی می‌پردازند. از قضا برعکس، تداوم جنگ علیه ملت‌های تحت ستم و تبعیض و نقض ابتدایی‌ترین



دکتر میرو علیار

پس از خروج ایالات متحده‌ی آمریکا از توافق «برجام» برنامه‌ی جامع اقدام مشترک در هشتم ماه مه ۲۰۱۸ میلادی، تنش‌های میان جمهوری اسلامی و آمریکا افزایش یافتند و مسئله‌ی وقوع جنگ به میان آمد؛ شماری از اشخاص و طرف‌های سیاسی ایرانی در مخالفت با وقوع جنگ موضع گیری کرده‌اند.

در این میان تلاش و فعالیت سرسپرده‌های جمهوری اسلامی که به نام محقق و تحلیلگر سیاسی و نویسنده و روشنفکر و... در داخل و خارج از کشور روزانه به گونه‌های متفاوت دیده می‌شوند و مردم را از وقوع جنگ و آشفتگی و تجزیه‌ی ایران می‌ترسانند به طور ویژه‌ای قابل توجه است. چنانکه گویی مردم ایران هم اکنون در رفاه و آسایش و امنیت به سر می‌برند!

واضح است که هیچ انسان عاقل و دارای احساس انسانی‌یتی طرفدار جنگ و کشتار انسان و نابودی کشور و آوارگی مردم بی‌دفاع نیست. اما آیا این طرف‌ها در کل مخالف جنگ هستند یا فقط مخالف جنگی هستند که علیه جمهوری اسلامی به وقوع بپیوندد؟!

آیا با قاطعیت بهب مخالفت با جنگ‌هایی که جمهوری اسلامی ۴۰ سال است علیه مردم ایران آغاز کرده، موضع گیری خواهند کرد؟

جمهوری اسلامی ۴۰ سال است جنگ خونینی را به مردم کوردستان تحمیل کرده است که هزاران قربانی به دنبال داشته است. در این مدت رژیم از هیچ جنایتی علیه کورد ابا نکرده و کشتار، اعدام و سرکوب به کار روزمره‌ی این حکومت در کوردستان تبدیل شده است.

جمهوری اسلامی ۴۰ سال است آزادیخواهان کشور را سرکوب و اعدام می‌کند و هرگونه حق و آزادی را از مردم ایران نقض کرده است. رژیم، بی احترامی به زنان را نهادینه کرده است و کوچکترین حق و آزادی را برایشان مشروع نمی‌شمارد. به طور مداوم نیز به روشی سازماندهی شده اقلیت‌های مذهبی را مورد توهین قرار می‌دهد. قتل عام هزاران زندانی

نظریه بینامتنیت در پرتو تأویلی نو

(باختین از روزنه‌ی نگاه پوپر)

(بخش دوم و پایانی)

ترجمه (از کوردی): سامال احمدی

رویای پوشالی



خالد درویزه

اگر توافقنامه برجام بعد از سال‌ها تحریم جمهوری اسلامی از طرف قدرت‌های صاحب نفوذ در عرصه بین‌الملل، دمیدن نفسی تازه در جان به کما رفته اقتصاد بی در و پیکر و به شدت وابسته به صنعت نفت جمهوری اسلامی بود و در پی آزادسازی صدها میلیارد دلار دارایی‌های بلوکه شده و بازگشت شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌توانست فرصتی مناسب برای برون رفت از مشکلات فراوان اقتصادی باشد تا اینکه با اعمال حداقل رفتارهای معمول و جهان پسند در عرصه سیاسی و بکارگیری حداقل مکانیزم و راهکارهای مناسب در عرصه مدیریتی می‌بایست در جهت حل مشکلات اقتصادی جامعه گام برداشته شود، اما چنانچه ماهیت ایدئولوژیک، غیردمکراتیک و انحصارطلب سیستم ولایت مدار جمهوری اسلامی اقتضا کرده و می‌کند، آنچه در عمل شاهد آن بودیم چرخیدن در برپاشنه همان سیاست‌های مخرب، دخالت در امور داخلی کشورها، اعمال ترور، حمایت از تروریسم، تولید، ساخت و آزمایش موشک‌های بالستیک و در کل در سطح بین الملل سرعت بخشیدن به سیاست‌های تنش زا، ایجاد جو رعب و وحشت، خفقان، سرکوب معترضین در سطح داخلی بود.

سیاستی که تنها اندک زمانی پس از توافق و تعهدات رژیم، چنانچه مقام‌های آمریکایی به درستی و با درکی عمیق، تحت عنوان نقض روح برجام آن را به چالش کشیدند درن هایت به خروج آمریکا از برجام انجامید.

اعتراضات گسترده مردمی در دی ماه ۹۶ که دیگر امیدی به اصلاح نداشته و کاسه صبر رویای شکوفایی اقتصادی و حل مشکلات انباشته شده‌شان لبریز شده بود توام با بازگشت مجدد تحریم‌ها علی‌الخصوص اقدامات آمریکا در جهت به صفر رساندن صادرات نفت ایران به مثابه پاشنه آشیل رژیم، موقعیت رژیم را در سطح داخلی و خارجی بیشتر از پیش رو به زوال کشانید. در چنین گیرووداری سران فاسد و غرق شده در نظام قرون وسطایی با تئوری و باورهای خیالی پردازانه در قالب شعارهایی چون، اگر نفت ما صادر نشود، هیچ نفتی از تنگه هرمز عبور نخواهد کرد، با اعمال رفتارهای مخرب و نامتعارف و قانون شکنانه، البته عمدتاً از طرف گروه‌های نیابتی به جنگ نفتکش‌ها رفته و خواب افزایش قیمت نفت درب ازارهای جهانی را می‌دیدند تا اینکه با دستیابی به منفذی همان مبلغ پیشین از صادرات نفت را اگرچه با میزان صادرات کمتر، اما همراه با افزایش نرخ ارز خارجی از ۳۸۰۰ به ۱۴۰۰۰ تومان برای یک دلار به جیب بزنند، غافل از اینکه در قرن ۲۱ باسیاست و ابزارهای هزاره اول نمی‌توان گلیم خود را از آب بیرون کشید.

در این میان به دلایل عمده‌ای همچون اشباع بازارهای جهانی از نفت عربستان، آمریکا، امارات و کشورهای صادرکننده نفت در اپک، جایگزینی انرژی‌های تجدید پذیر و مقرون به صرفه تر دیگری به جای سوخت‌های فسیلی، عدم اتکاء عربستان و امارات و در کل کشورهای خلیج به تنگه هرمز در پی انتقال نفت از طریق لوله در بندر فجیره، نه تنها قیمت جهانی نفت افزایش نداشته بلکه قیمت آن در ماه می نسبت به ماه آوریل با وجود و خلق تنش‌های بی دربی و نا امن کردن منطقه از سوی رژیم و عناصر وابسته، از کاهش ۱۴ درصدی حکایت دارد. اینک جدای از صنعت نفت و گاز که مورد تحریم قرار گرفته‌اند صنایع پتروشیمی هم که سهم عمده ای از درآمدهای رژیم را به خود اختصاص داده است در چهارچوب سیاست حداکثر فشار به تحریم‌ها اضافه شد، کارزاری که در پی انجام رفتارهای نامتعارف از طرف رژیم یاغی و ساختار شکن بدون شک اجماعی جهانی را بر علیه‌اش در پی خواهد داشت، چشم اندازی که جدای از انزوای بیشتر ایران در سطح بین الملل، منابع مالی رژیم را قطع کرده و به نوبه خود تاثیر مستقیمی در افزایش نارضایتی‌های عمومی در پی خواهد داشت.

بناشد که اعتراضات داخلی، هماهنگی و همکاری گروه‌ها و احزاب دمکرات و ترقی خواه ملیت‌های ایران همراه با به حاشیه رانده شدن رژیم در سطح بین المللی روند رو به سقوط نظام ایدئولوژیک، غیردمکراتیک و خیال پرداز جمهوری اسلامی را تسریع بخشیده و به زباله دان تاریخ بسپارد.

انديشه/متن عبارت است از درک ارتباط این اندیشه/متن با مجموع اندیشه/متن‌های موجود که با اندیشه/متن مورد نظر ما در ارتباط هستند. در اینجا استدلال ما برای نظریه بینامتنیت تکوین می‌یابد. خلاصه‌ی این استدلال عبارت است از: (استدلال را برای متن مشخص می‌کنیم. اما می‌توانیم به جای کلمه‌ی متن از کلمات اندیشه، نظریه، تصور و گزاره نیز استفاده کنیم)

درک و استنتاج تمامی معنای یک متن به درک محتوای منطقی این متن بستگی دارد.

محتوای منطقی متن انتها ندارد. بنابراین، استنتاج و درک تمامی معنای یک متن ممکن نیست و آنچه امکانپذیر است درک و استنتاج رابطه‌ی یک متن با متون مربوطه‌ی قبلی و متون کنونی موجود در اطراف همان متنی است.

از این نظریه نتایج درخشانی به دست می‌آید. در پرتو این

نظریه بینامتنیت و پیوستگی معنای متن به مجموعه‌ای از متون را در یک سیستم نظریه‌ی انتقادی به عنوان آکسیوم بپذیریم، نباید انتظار داشته باشیم که استدلالی برای آن آورده شود و به شیوه‌ی منطقی از چندین آکسیوم دیگر استنتاج گردد. زیرا در اساس گزاره‌ای اساسی‌تر از خود آن وجود ندارد، تا این استنتاج منطقی صورت بگیرد.

اندیشه‌ی پوپر باز باب بحثی نو و قابل استفاده به رویمان می‌گوشاید. با اتکا به بعضی از نظریه‌های این اندیشمند نازک‌بین می‌توانیم استدلالی قوی برای نظریه بینامتنیت ارائه دهیم. برای فرموله کردن این استدلال به یک مقدمه نیاز داریم.

برای هر گزاره می‌توانیم دو نوع محتوا تعیین کنیم: محتوای منطقی و محتوای خبری. تعریف این عبارات به صورتی است که در ذیل ارائه می‌شود:

محتوای منطقی گزاره‌ی

اکنون می‌توانیم برای رسیدن به هدف خود از این نظریه استفاده کنیم. جهانی که مجموع معناها متون موجود را مانند رودی جاری در بر می‌گیرد، جهانی است که پوپر آن را جهان ۳ نامیده است؛ جهانی نامرئی و غیرفیزیکی، اما عینی، موجود، تأثیرگذار و قابل بحث و تأمل. حال می‌توانیم مفهوم عبارت «شبه‌های از ارتباطات بینامتنی» را درک کرده و بدانیم که این شبکه از لحاظ هستی‌شناسی (Ontology) به چه جهانی مربوط است. اکنون به این حقیقت پی برده‌ایم که این شبکه دارای وجودی فرضی و مجازی نیست، بلکه به صورت عینی و حقیقی وجود دارد. با وجود این که این شبکه یک شبکه‌ی سخت و تغییرناپذیر نیست، اما عینی و واقعی است. تغییرناپذیر نیست، اما تکوین نیافته هم نیست. این شبکه، یک شبکه‌ی جاری‌ست و تغییر می‌یابد. اما فراموش نکنیم که از نظر عقل‌گرایی انتقادی (critical

هر متنی، متن باز نویسی بعد از خود را در درون خود پنهان نموده و منتظر یک نویسنده‌ی خلاق است که آن متن نو را کشف کند و با خلاقیت خود آن را به وجود آورد:

نظریه می‌توانیم ادعا کنیم که ما بخشی از متن چخوف را در متن داستایوسکی می‌خوانیم، و بخشی از متن چخوف و داستایوسکی را در متن همینگوی پیدا می‌کنیم. در اینجا می‌توان گفت که «مولوی» قیل از «نالی» دارای دلالت خود بود، اما بعد از نالی جغرافیای دال‌های مولوی سرزمین دیگری را فتح کردند. «گوران» از نو مولوی و نالی دیگری آفرید. اگر بپذیریم که خوانش مسعود محمد از حاجی قادر بخشی از متن حاجی قادر است، و خوانش انور قادر محمد از مولوی بخشی از متن مولوی است، چه چیزی می‌تواند مانع باشد از این که بگوییم ممکن است شعر شاعری مانند سیدی اورامی در آینده به سبب خوانش یک خانم ادیب دیاربرگری، که هنوز متولد نشده و عمر هیچکدام از ما به روزگار تولد او نمی‌رسد، قسمت گم شده‌ای از وجود خود را باز یابد و مرحله‌ای از رشد ابدی خود را طی کند؟

پوپر در جایی می‌گوید که قانون جاذبه‌ی انیشتین با قانون جاذبه‌ی نیوتن تناقض دارد. این بدان معناست که اگر این دو قانون را به نام‌های N و E نامگذاری کنیم، می‌توان گفت که E بخشی از محتوای خبری N است، و همچنین E بخشی از محتوای منطقی غیر N است. یعنی این امکان وجود داشت که عکس قانون انیشتین از قانون نیوتن استنتاج شود، اما با این وجود نیوتن هرگز

الف: عبارت است از مجموع گزاره‌هایی که به عنوان نتیجه دیگر استنتاج می‌شوند.

محتوای خبری گزاره‌ی الف: عبارت است از مجموع گزاره‌هایی که با گزاره‌ی الف در تناقض هستند. گزاره‌ای که با هیچ گزاره‌ی دیگری تناقض نداشته باشد، هیچ گونه محتوای خبری نیز ندارد. بنابراین گزاره‌ای که دارای تناقض بیشتری با دیگر گزاره‌ها باشد، گزاره‌ای خبری‌تر است.

میان این دو مجموعه رابطه‌ای مشخص وجود دارد. این رابطه به شیوه‌ای است که در برابر وجود یک گزاره در یکی از مجموعه‌ها گزاره‌ای متناقض در مجموعه‌ای دیگر وجود دارد. علاوه بر این، هر دو مجموعه بی‌انتهای هستند و

اعضای تشکیل دهنده‌ی آنها محدود نیست. از این جمله‌ی آخر نتیجه‌ی مهمی به دست می‌آید. وقتی که می‌گوییم محتوای منطقی و خبری یک نظریه یا یک اندیشه یا یک متن انتها ندارد، به این معناست که هرگز کسی نمی‌تواند ادعا کند که تمام معنای این نظریه یا اندیشه یا متن را استنتاج نموده، حرف آخر را در مورد آن بیان کرده، و جایی برای اظهار نظر هیچ کس دیگری باقی نگذاشته است. بنابراین، وقتی که می‌گوییم درک تمامی یک اندیشه/متن ممکن نیست، می‌توانیم به عنوان راهکار به این نتیجه برسیم که راه مناسب برای رسیدن به این

rationalism) همین جهان فیزیکی که ما تصور می‌کنیم ثابت و تغییرناپذیر است، جهانی‌ست جاری که لحظه به لحظه تغییر می‌یابد.

باور داشتن به عینی بودن جهان معنای متون به عنوان بخشی از جهان ۳ که همزمان جاری و تغییرپذیر نیز هست، نوعی مقاومت تئوریک در برابر پست‌مدرنیست‌ها نیز می‌باشد که به بهانه‌ی تغییرپذیری و ثابت نبودن معنای متن هر نوع فعالیت رفتارشناسانه و منتقدانه را کاری بی‌اساس تلقی می‌کنند و هیچ تفاوتی برای خوانش نظاممند با خوانش بی‌اساس قائل نمی‌شوند.

پیوستگی معنای متن با مجموعه‌ای از متون اطراف خود، جواب پرسش دوم آن دسته از مکاتب انتقادی که به نظریه بینامتنیت توجه دارند، پیوستگی معنای متن با دیگر متون را به عنوان یک اصل اساسی (Axiom) می‌پذیرند. وقتی که در یک سیستم فکری گزاره‌ای به عنوان اصل اساسی پذیرفته می‌شود، دروست بودن این گزاره بدون استدلال اثبات می‌گردد و سعی بر آن قرار می‌گیرد که بر اساس همین گزاره‌ی اساسی، گزاره‌ها و نظریه‌های دیگر نیز با استدلال و اقدام منطقی اثبات شوند. یعنی آکسیوم‌ها اثبات نمی‌شوند و به صورتی پذیرفته می‌شوند که نیازی به استدلال ندارند، اما دیگر گزاره‌ها به صورت استنتاج منطقی از آکسیوم‌ها دریافت می‌شوند. بنابراین اگر

خوانشی از موقعیت کنونی رژیم ایران

ویژه‌ی استبداد ایرانی پنهان کرده‌اند. از نظر نگارنده بزرگترین عامل بقای رژیم به ویژه در دو دهه‌ی گذشته، عدم شفافیت و نوعی ادغام و همپوشانی مابین بخش بزرگی از اپوزیسیون و رژیم حاکم بوده است. همین مسئله موجب شده تا تلاش‌های داخلی به نتیجه نرسیده و عوامل خارجی مساعد نیز تحت لوای ایران‌گرایی به عاملی برای رهایی مبدل نشوند.

عدم وجود یک جریان با سیاست‌های شفاف و خوانشی صریح از داخل ایران که رویکرد و تبیین حقیقی و مشخصی از سیستم قدرت تحمیلی رژیم داشته باشد، یک چالش جدی بر سر راه تحولی در داخل بوده و این امر به انفعال و استیصال بدنه‌ی اجتماعی منجر شده است.

با این وجود می‌توان به جرات گفت که مردم تحت سلطه‌ی رژیم اسلامی در حالتی غیر قابل پیشبینی به سر می‌برند و همین مسئله فی نفسه زمینه‌ی یک انفجار اعتراضی را فراهم آورده است. همانطور که اشاره شد این زمینه می‌تواند موجب ناتوانی رژیم در ایجاد جنگی پیشدستانه و محدودی شود که در مقدمه به آن اشاره کرده بودیم. به این شکل که در حالی که رژیم در حین اجرای پلان خلق فضای انقلابی‌گرانه‌ی مختص به خودش است، همین فضای ملتهب به زمینه‌ای برای یک ناراضی‌انفجاری تبدیل شود و این اصلاً نمی‌تواند واقعیتی دور از انتظار باشد.

به این شرط که جریاناتی که به عدم اصلاح‌پذیری رژیم حاکم باورمند هستند قادر باشند تا امکانات و بسترهای رهایی‌همگانی را فراهم آورند. نتیجتاً می‌توان گفت که ریسک پیشدستی در جنگی محدود برای رژیم اسلامی بسیار بالاست و مطمئناً شخص خامنه‌ای از بر این واقعیت واقف است، اما به دلیل این بن‌بست سیاسی و اقتصادی حاصل از چهار دهه استبداد داخلی و مداخلات خارجی، اعمال چنین سیاستی خیلی دور از انتظار نیست. به عبارتی رژیم سعی خواهد داشت تا با استفاده از ایده‌های ویژه‌ی انقلابی‌گری افراطی و بتویبای امپراطوری منطقه‌ای، به حیات سیاسی خود ادامه دهد. این حقیقت، پیش‌بینی این امر را که رژیم به سیاست کنونی خود ادامه خواهد داد را آسان می‌نمایاند. به همین دلایل ذکر شده باید گفت که رژیم در تنگنایی مثل مقطعی که در آن است ساقط خواهد شد و هر بحرانی که رژیم را تضعیف کند موجبات قدرت گرفتن جبهه‌ی مردم را فراهم خواهد آورد و البته، یقیناً این که فاکتورهای تضعیف رژیم داخلی یا خارجی باشند در اولویت نیست و مهمترین مسئله رهایی از یوغ استبداد رژیم اسلامی و تقسیم قدرت و نهایتاً برداشتن قدم‌هایی جدی به سوی هدف والای آزادی و دموکراسی است.

ایشان و همفکرانشان با ادعای حمایت از «جامعه»‌ی مدنی می‌خواهند وانمود کنند که گویا تنها خودشان حامی آرامش و صلح و مخالف «خشونت» هستند. این نوع صلح و آرامشی که ایشان برای مردم متصور می‌شوند، عبارت است از این که همچنان فعالین محیط زیست، معلمین، مالباختگان و به ویژه ملل و اقوام تحت ستم و اقلیت‌های مذهبی تحت فشار دستگاه‌های امنیتی رژیم باشند و رسانه‌های معلوم‌الحال با انتشار اخبار مربوطه، تمایل اجتماعی برای ایجاد اصلاحات داخلی را بزرگ‌نمایی کنند. روندی که گذشت چهار دهه قادر به ایجاد حداقل تغییر و تحول در داخل نبوده است.

حملات جسته و گریخته‌ی رژیم به کشورهای منطقه و منافع آنها در مدت اخیر، نشان از این دارد که ایران با وضعیت کنونی و شرایطی که در آن قرار گرفته، تمایلی برای یک نشست مجدد نامتوازن و نامطلوب بر میز مذاکره را ندارد

همزمان جریانات مشابهی حاضر نیستند که بدون گزینش و عاری از برخورد سلیقه‌ای سرکوب‌های داخلی را عیناً منعکس کنند. این جریانات

جنگ و بویژه هدایت و کنترل آن و همچنین رابطه و تصادم مستقیم پایگاه جهانی آمریکا با این مسئله، سه عامل اصلی تلقی می‌شوند که هرکدام به نوبه‌ی خود می‌توانند باعث شکست در اعمال این رویکرد سیاسی رژیم شوند. در حقیقت برخلاف بسیاری از ترغیب و تهییج‌های سیاسی، نباید انتظار داشت که یک تحول چشمگیر از طریق جریان‌های رهبری شده در داخل روی دهد.

باید به این نکته توجه داشت که رژیم ایران از ابتدای روی کار آمدن خود برای چنین مقاطعی هزینه کرده است. سیاه‌نمایی اپوزیسیون برانداز خارج از ایران، همسویی و همپوشانی بسیاری از جریان‌های خارج

مطمئناً بدترین حالت برای رژیم که می‌تواند به بهترین حالت برای مردم تحت سلطه مبدل شود این است که در آینده‌ای نزدیک با موجی از اعتراضات در داخل مواجه شود. در چنین شرایطی است که برنامه‌های آتی رژیم مختل شده و توان پیشبرد اهداف خود را از دست خواهد داد.

طبیعتاً اعتراضات داخلی زمینه‌ای برای اپوزیسیون حقیقی فراهم خواهد کرد تا قادر به اعمال فشار بیشتری باشد و همین مسئله با توجه به پایگاه اجتماعی ضعیفی که رژیم دارد منتج به قدرت گرفتن آن شود. غیر از این تردید جدی در ظرفیت‌های سپاه تروریستی پاسداران برای

تهدیدآمیز انجام داده است، اما تاکنون نشانی از موفقیت در این عرصه دیده نمی‌شود. به همین دلیل نیز نباید انتظار داشت که در کوتاه‌مدت تحول قابل توجهی در این زمینه روی دهد. صاحب نظران بر این باوراند که محتمل‌ترین سناریو، آغاز یک جنگ محدود از سوی ایران است و هدف از این اقدام ایجاد یک تحول در موقعیت رژیم خواهد بود که این مهم از راه خلق معادله‌ای تازه با استفاده از دگرگونی‌های حاصل از این جنگ محدود می‌باشد. به عبارتی فرض بر این است که جنگ به مدخلی برای رسیدن به یک توافق مبدل شود. به این معنا که رژیم بتواند با خلق یک منازعه



کیوان درودی

حملات جسته و گریخته‌ی رژیم به کشورهای منطقه و منافع آنها در مدت اخیر، نشان از این دارد که ایران با وضعیت کنونی و شرایطی که در آن قرار گرفته، تمایلی برای یک نشست مجدد نامتوازن و نامطلوب بر میز مذاکره را ندارد. این مسئله نیز ریشه در این واقعیت دارد که در صورت یک نشست مجدد در شرایط کنونی؛ رژیم ایران در موضع ضعف خواهد بود به گونه‌ای که برخلاف مذاکرات منتهی به قرارداد برجام، داشته‌های حداقلی کافی برای عرضه بر میز مذاکره را نخواهد داشت. بر این اساس می‌توان گفت به سیاست «تهدید ناآرام ساختن منطقه» ادامه خواهد داد. این رویه متکی بر این اصل است که رژیم از طریق نشان دادن ظرفیت‌هایی که برای ضربه زدن از راه گروه‌های سرسپرده، توان موشکی و احتمالاً انفجارهای متناوب دارد، این پیام را به غرب و کشورهای منطقه بدهد که در صورت مواجهه، باید منتظر نامن ساختن کل منطقه باشند. همچنین رژیم در گذشته ثابت کرده است که هر موقع که لازم بداند «تحت فشار باشد» از طریق سفارات و نمایندگی‌های رسمی در اروپا، عملیات‌های تروریستی انجام می‌دهد.

کلیت این سیاست بر این قاعده استوار است که رژیم بعنوان طرفی که در شرایطی خاص و با ثبات نسبی، در موضع ضعف قرار می‌گیرد، بطور متناوب این پیام تهدیدآمیز را منتشر می‌کند که در صورت انتخاب گزینه‌ی نظامی از سوی طرف یا طرف‌های مقابل، یک جنگ طولی‌المدت را آغاز خواهد کرد که پایان دادن به آن سخت و پرهزینه خواهد بود، به همین دلیل می‌بایست موجودیت رژیم را به عنوان منشا این نامنی بالقوه قبول کنند. بنا به دلایل ذکر شده، رژیم اسلامی به موازات افزایش فشار سعی دارد هرچه بیشتر توان تهدید خود را به نمایش بگذارد.

این مسئله جامعه‌ی جهانی را به چند جریان تقسیم کرده است که هرکدام خوانش ویژه‌ای نسبت به ابعاد آن دارند. هرچند که ایالات متحده تلاش‌هایی در جهت ایجاد یک جبهه‌ی مشترک جهانی در مقابل این سیاست‌های

کنترل یک جنگ پیشدستانه وجود دارد. همچنین پایگاه و اعتبار جهانی آمریکا مانعی سخت در برابر اعمال اراده‌ی قاسم سلیمانی و سپاه پاسداران

و سپس هدایت آن را به دست بگیرد و با توانی که احتمالاً می‌تواند داشته باشد طرف یا طرف‌های مقابل را برای تقبل خواسته‌هایش متقاعد سازد و



نداشته باشد و این مسئله نوعی سردرگمی را در بدنه‌ی اجتماعی ایجاد کرده است. برای مثال کسانی مثل آقای بنی‌صدر که در گذشته یک فرد موثر در این سیستم بوده و بعدها کنار گذاشته شده‌است در حساسترین مقاطع، موضعگیری‌های مطلوب رژیم را اتخاذ کرده است. ایشان در حالی که بخش عظیمی از اقتشار

بر منطقه تلقی می‌شود. کنار آمدن با این تحمیل ارده متحدين آمریکا را ناگزیر می‌کند تا راه‌های دیگری را برای تامین منافع خود پیش بگیرند. یکی دیگر از تبعات این مسئله تخریب وجهه‌ی ایالات متحده به عنوان قدرت و اراده‌ی نخست جهان خواهد بود و این امر موجبات خودسری فزاینده‌ی

نهایتاً منازعه را کنترل کرده و به آن پایان دهد. به گونه‌ای می‌توان گفت که بر اساس این فرضیه رژیم درصدد است تا خود را بعنوان یک عامل غیر قابل انکار در منطقه تحمیل کند و به طریقی ثابت کند که نظم منطقه خارج از اراده‌اش شکل نخواهد گرفت. سوالي که در این باره مطرح می‌شود این است که معادلات پیش رو

ریسک پیشدستی در جنگی محدود برای رژیم اسلامی بسیار بالاست و مطمئناً شخص خامنه‌ای بر این واقعیت واقف است، اما به دلیل این بن‌بست سیاسی و اقتصادی حاصل از چهار دهه استبداد داخلی و مداخلات خارجی، اعمال چنین سیاستی خیلی دور از انتظار نیست

راستین عموم مردم قلمداد می‌کنند، تاکنون شجاعت این را نداشته‌اند که با صراحت یک فراخوان برای اعتراضات عمومی و فراگیر منتشر کنند و با مجموعه‌ای از سخنان کلیشه‌ای، رتوریک سیاسی و عامه پسندان خود را در فراسوی ابهامات پوپولیستی

جامعه تحت سلطه‌ی رژیم حاکم بر جغرافیای ایران در فقر و فشار به سر می‌برند و طبیعتاً مسئول نخست این وضعیت استبداد داخلی جمهوری اسلامی است؛ از مخاطرات پیش روی دموکراسی آمریکا از سوی رییس‌جمهوری این کشور سخن به میان می‌آورد.

رژیم‌های کراهی شمالی و ونزوئلا را فراهم می‌آورد که نهایتاً هزینه‌ی سنگینی برای ایالات متحده به همراه خواهد داشت. پس با توجه به تحلیل فوق، نخست زمینه‌ی انفجار ناراضی‌های سرکوب‌شده و سپس تردید در ظرفیت سپاه پاسداران در پیشدستی در

در صورت به واقعیت پیوستن این فرضیه به چه صورت خواهد بود؟ واقعیت این است که نمی‌توان از یک بعد و بر اساس یک فاکتور معین به این مسئله‌ی بفرنج پاسخ داد، اما این امکان وجود دارد که یک سری رویدادهای ممکن را در این راستا پیشبینی کرد.

راهکار از میان برداشتن، یا کنترل کردن گروه‌های تروریستی مورد حمایت رژیم ایران چیست؟

به آن اشاره شد انجام گیرد، یا اینکه بخشی از آن انجام شود، وسعت فعالیت و توانایی گروه‌های تروریستی تضعیف خواهد شد.

در مورد گروه‌های تروریستی ساخته و پرداخته رژیم ایران نیز لازم است که آمریکا با همکاری کشورهای منطقه و هم پیمانانش تلاش برای انجام دادن آن ۳ موردی که اشاره شد در اولویت قرار دهند، تا این گروه‌ها بیشتر تضعیف شوند و به یقین فشارهای اقتصادی و نا امیدی باعث اختلافات درون گروهی و خواهد شد و عده زیادی از اعضای صفوف این گروه‌ها را ترک خواهند کرد. اما واقعیت این است که تا زمانی که منابع اصلی برای شکل گیری این گروه‌ها به همین منوال باشد، محال است بتوان آنها را از بین برد، شاید تضعیف شوند اما در زمان دیگر و فرصت دیگر و به شیوه دیگر باز سر بر میاورند، بر همین اساس الزامی است که آمریکا و کشورهای منطقه و هم پیمانانش تا براندازی رژیم ایران یا تغییر اساسی و ساختاری در سیاست خارجی و داخلی ایران بر فشارهایی اقتصادی سیاسی خود افزایش دهد.

گرچه تاریخ ۴۰ ساله رژیم بیانگر آن است که امکان تغییر و رفورم در بطن رژیم امکان پذیر نیست و تنها در زمان‌هایی که در تنگنا قرار می‌گیرند کسانی همچون آقای خاتمی و روحانی با شعارهایی تو خالی و وعده‌هایی که هرگز عملی نمی‌شود مقطعی بحران را رد می‌کنند و پس از مدتی نیز دوباره مثل قبل و حتی شدیدتر از قبل از گروه‌های تروریستی حمایت کرده و در تلاش برای اشغال کردن کشورها و یا حداقل بحران سازی در بیرون از مرزهای خود ادامه می‌دهد. پس باید هدف اصلی سرنگونی رژیم اسلامی ایران باشد. اگر فشارهای سیاسی اقتصادی ادامه داشته باشد و ایوب‌زیسیون ایرانی بتوانند با حق گرفتن حق و حقوق خلق‌ها به ویژه ملل تحت ستم ایران با پلاتفورمی مشترک و ایجاد اتحاد و همبستگی وسیع و پشتیبانی مردم در داخل سرنگونی رژیم سهل و ناسان خواهد بود و هیچ وقت ایران همانند سوریه نمی‌شود چون رژیم ایران در منطقه وجود ندارد که گروه‌های تروریستی روانه ایران کند، بی گمان چه با جنگ و یا با شورش خلق‌ها سرنگونی رژیم ضروری است و بی هزینه هم نخواهد بود اما ادامه داشتن رژیم و گروه‌های تروریستی آن در طولانی مدت هزینه جانی و مادی بیشتر برای خلق‌های ایران و منطقه در پی خواهد داشت حتی در جنگی گسترده برای سرنگونی رژیم ایران

باورشان وجود ندارد، اما با از میان رفتن تبعیض و تلاش برای گسترش دموکراسی باعث خواهد شد که کمتر مردم به آن گروه‌ها ملحق شوند.

۲ - مسدود کردن منابع مالی این گروه‌های تروریستی؛ اصلی ترین عامل پایداری این گروه‌ها مسئله مالی است، که تاثیر به سزای بر وسعت فعالیت‌های این گروه‌ها دارد. برای مثال مهمترین این گروه‌ها حزب الله لبنان است که سالانه نزدیک به یک میلیارد دلار از ایران کمک دریافت می‌کند، که آن نیز به دلیل محاصره و بحران اقتصادی ایران باعث شده که بخشی از فعالیت‌های خود را کنسل کنند و یقیناً اگر این روند ادامه پیدا کند وضعیت آن روز به روز ضعیف تر خواهد شد.

۳ - مسدود کردن کانال‌های بدست آوردن تسلیحات نظامی

به همان دلیل حزب الله لبنان نیز گرچه بخشی از حکومت لبنان است ولی برایشان مهم نیست که اسرائیل زیرساختهای اقتصادی و انسانی لبنان را ویران کند، در این رابطه باید اذعان کرد که با حمله اسرائیل به جنوب لبنان حزب الله تضعیف می‌شود و ابتکار عمل را از آن می‌گیرد، اما باعث تخریب و ویرانی و آواره شدن مردم لبنان و عواقب سنگین سیاسی و بین المللی برای اسرائیل در پی خواهد داشت.

برای از بین بردن گروه‌های تروریستی چه باید کرد؟

۱ - عوامل دخیل در پیدایش این گروه‌ها؛

قبل از هر چیز لازم است که تحقیق جامعی صورت بگیرد که چرا این گروه‌ها شکل می‌گیرند و عوامل آن چیست،

اینکه بخشی از مردم افغانستان از طالبان و دیگر گروه‌های تند رو پشتیبانی می‌کنند. این درست است که آمریکا و هم پیمانانش به سیستم حکمرانی طالبان در افغانستان پایان دادند و پیروز شده‌اند و طالبان را بسیار ضعیف کرده‌اند، اما تا زمانی که فکر تندروری در افغانستان وجود داشته باشد جنگ و خشونت و خونریزی ادامه خواهد داشت. بخش اعظم منبع مالی طالبان قاچاق مواد مخدر است، اگر آمریکا روی این مسئله و همچنین بیشتر به آموزش و پرورش در افغانستان فوکس می‌کرد یقیناً دستاورد بیشتری داشت در جنگ با طالبان. اما عواملی که باعث شد که چنین کاری را نکنند بحثی سیاسی زیادی و همچنین وقت بیشتری میبرد، و در این بحث

باشیم. تفاوت جنگ با یک کشور و یک گروه تروریستی؛ اگر نگاهی اجمالی به جنگ‌هایی پس از جنگ دوم جهانی تا کنون داشته باشیم متوجه خواهیم شد که کشورهای ابرقدرت در جنگ با کشورهای دیگر چه از نظر زمانی و چه از نظر زیان جانی و اقتصادی در مدت کوتاهی و زیان کمی پیروزی‌های بزرگی بدست آورده‌اند. اما در جنگ با گروه‌های چریکی به ویژه گروه‌های تروریستی با جنگی دراز مدت و پرهزینه جانی و مادی روبرو شده‌اند یا دستاورد بسیار کمتری داشته‌اند!

عوامل بسیارند برای بیان کردن در این مورد، اما بارزترین آنها این است که در جنگ با کشور دیگری جا و مکان سیاسی،



مختار نقشبندی

۴۰ سال پیش که باند آقای خمینی انقلاب خلق‌های ایران را غصب کردند همزمان با سرکوب و کشتار جمعی ملیت‌های تحت ستم تمامی اندیشه‌ها و حزب و سازمان‌های مخالف حذف نمود، و با همانگی وزارت خارجه‌ی ایران عده‌ای آخوند را روانه‌ی کشورهای دیگر کرد، تا به قول خودشان انقلاب را به کشورهای دیگر صادر کنند که جمهوری اسلامی جهانی بنا نهند؛ به همین منظور نیز پاسدارانی را با این هیئت‌های صدور انقلاب روانه می‌کردند تا برنامه‌های خود را پیاده کنند، که تشکیل و سازمان دادن گروه‌های تروریستی برای رسیدن به اهدافشان دست بکار شدند. اکنون پس از ۴۰ سال نتیجه‌ی این سیاست و دخالت‌های رژیم ایران را مشاهده می‌کنیم که در چندین کشور از قاره‌ای آمریکا، آفریقا، آسیا و حتی اروپا بحران و تنش ایجاد نموده، و صدها هزار انسان کشته و میلیون‌ها انسان آواره شده‌اند که نمونه‌ی بارز آن می‌توان به دخالت رژیم ایران و همکاری با رژیم بشار اسد است که برای سرکوب اعتراضات و شورش مردم سوریه است. حال نیز روزانه حملات گروه‌هایی تروریستی تحت حمایت رژیم ایران در یمن، لبنان و فلسطین جزء اخبار روزانه‌ی جهان شده است. در همین زمینه این سوال پیش می‌آید که چرا آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی و دیگر کشورهای هم پیمانانش تاکنون نتوانسته‌اند این گروه‌ها را از بین ببرند و راهکار این مهم چیست؟ که بتوانند بر این گروه‌ها و حملات تروریستی فائق آیند؟

بر این اساس لازم است که برای پاسخ این سوال گرچه کوتاه در مورد تفاوت جنگ با یک کشور و جنگ با یک گروه تروریستی را بیان نمود و در نهایت نیز بحثی کوتاه هم در مورد چگونه از میان برداشتن این گروه‌ها داشته



است؛ یک تروریست می‌تواند با سلاح سرد و یا یک ماشین کار تروریستی انجام دهد مانند آنهایی که در این چند سال اخیر در اروپا مشاهده کردیم. اما برای ایجاد بحران و درست کردن تنش منطقه‌ای و عملیات‌هایی تروریستی وسیع تر نیاز مبرمی به تسلیحات نظامی مثل پهپاد یا هواپیماهایی بدون سرنسین و موشک است، اگر حزب الله لبنان و حوثی‌های یمن موشک و هواپیمایی بی سرنسین (پهپاد) نداشتند نمی‌توانستند تهدید جدی باشند، و اگر از راه ایران و پاکستان تسلیحات نظامی روانه‌ی افغانستان نمی‌شد این همه عملیات تروریستی در افغانستان رخ نمی‌داد، به همین دلیل الزامی است که از فروش کمک تسلیحاتی به گروه‌های تروریستی جلوگیری شود. اگر بخواهیم ریشه‌ای این گروه‌ها را تضعیف یا متوقف کنیم باید آن ۳ موردی که

که بتوان از پیوستن مردم به آنها جلوگیری شود و آن میل و رغبتی که مردم به آنها نشان میدهند کمرنگ شود و از میان برود. برای مثال اگر فلسطینی‌ها و اسرائیل بتوانند به توافق برسند و همانند دو کشور در صلح و آرامش زندگی کنند یقیناً حماس یا ناچار به آن تن در دهد و یا دچار انشعابات متعددی خواهد شد و بخشی از اعضای آن از آن رو می‌گردانند. همچنین در یمن اگر به فکر و باورهایی دینی و مذاهب گوناگون احترام گذاشته شود و احساس امنیت کنند به یقین بخش بزرگی از اعضای آن صفوف آنها را ترک خواهند کرد. لازم به ذکر است که بعضی از این گروه‌ها تروریستی همچون داعش و القاعده به هیچ عنوان فکر و اندیشه و باور متفاوت را قبول نمی‌کنند و همزیستی مسالمت آمیز در فلسفه

نمی‌کنند. در همین رابطه می‌توان اسرائیل را به عنوان مثال نامبرد که در چند جنگ کلاسیک توانست چند کشور عربی را شکست دهد، اما برای از بین بردن گروه‌های همچون حماس و حزب الله لبنان دچار مشکل جدی شده است، و تا کنون نیز دستاوردی نداشته، و علت آن نیز همانطور که به آن اشاره کردیم در جنگ کلاسیک جا و مکان‌های مهم کشورها مشخص است ولی حماس و حزب الله مکان مشخصی ندارند، و در زمان بروز جنگ با مردم عادی ادغام میشوند که تشخیص آن بسیار مشکل و زیان بار است، اگر اسرائیل بخواهد حماس را از بین ببرد باید به غزه حمله کند و آنجا را اشغال کند، عواقب آن منجمله ویرانیتامام غزه و آواره شدن صدها هزار نفر اشاره کرد، این نیز مشکلات عدیده‌ای برای اسرائیل به وجود خواهد آورد.

نظامی و اقتصادی آن آشکار و مشخص است که کجاست، و می‌توان با حملات مستقیم و یا هواپیماهای جنگنده و موشک می‌شود هم در زمان کوتاهی و با زیان کمتری به دشمن ضربه کاری زد و نیروهای نظامی و زیرساخت‌های اقتصادی را ویران و منابع مالی آن کشور را تضعیف و ویران کرد. اما گروه‌های چریکی هیچ جا و مکان مشخصی ندارند با حملات هوایی از بین بروند و حتی بعضی از این‌ها گروه‌های تروریستی هستند، جان و مال مردم خودشان و یا جایی که در آن سکونت گزیده‌اند برایشان مهم نیست. برای مثال: آمریکا و هم پیمانانش نزدیک به ۲۰ سال است در افغانستان با طالبان می‌جنگند، اما تا کنون نتوانسته‌اند طالبان را از بین ببرند، که عامل اصلی این است که اولاً طالبان جا و مکان مشخصی ندارد که آمریکا مورد حملات خود قرار دهد و دوم

KMMK - G خواستار آزادی بی‌قید و شرط زهرا محمدی شد



جمعیت حقوق بشر کردستان ایران - زنو در نامه‌ای به گزارشگر ویژه سازمان ملل برای امور حقوق بشر ایران خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط زهرا محمدی شد. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کُردیا، جمعیت حقوق بشر کردستان ایران - زنو در نامه‌ای به جاوید رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد برای امور حقوق بشر ایران بازداشت زهرا محمدی، عضو بازداشت شده انجمن فرهنگی - اجتماعی «نوژین» را «نقض آشکار معاهدات بین‌المللی در مورد حقوق اقلیت‌ها و زبان مادری» دانست. جمعیت حقوق بشر کردستان ایران - زنو در این نامه اعلام کرده است که مقامات حکومت ایران همچنان برای آموزش زبان مادری در کردستان محدودیت‌هایی را ایجاد و اعمال می‌کنند. این سازمان حقوق بشری ضمن محکوم کردن بازداشت زهرا محمدی خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط وی شد. همچنین جمعیت حقوق بشر کردستان ایران - زنو از گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران خواسته است که با صدور بیانیه‌ای خطاب به مقامات حکومت ایران خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط زهرا محمدی شود. با گذشت بیست و یک روز از بازداشت زهرا محمدی، عضو بازداشت شده انجمن فرهنگی - اجتماعی «نوژین»، تا کنون نهادهای اطلاعاتی و قضایی دلیل مشخصی را برای بازداشت وی اعلام نکرده‌اند. روز چهارشنبه هشتم خردادماه، زهرا محمدی، عضو بازداشت شده انجمن فرهنگی - اجتماعی «نوژین» پس از هفت روز بازداشت با خانواده‌اش تماس گرفت و همچنین روز پنج‌شنبه نهم خردادماه زهرا محمدی با خانواده‌اش ملاقات کرد. روز دوشنبه ششم خردادماه، اعضای انجمن فرهنگی - اجتماعی «نوژین» در مقابل دادگستری سندج تجمع اعتراضی را برگزار و خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط «زهرا محمدی»، عضو بازداشت شده این انجمن شدند. روز یکشنبه پنجم خردادماه، دو عضو بازداشت شده انجمن فرهنگی - اجتماعی «نوژین» به نام‌های «ادریس منبری و ربیوار منبری» اهل سندج آزاد و «زهرا محمدی» دیگر عضو بازداشت شده این انجمن همچنان در بازداشت به سر می‌برد. روز پنج‌شنبه دوم خردادماه، این سه فعال مدنی کُرد بدون ارائه مجوز قانونی از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت شدند.

بازجویی و بازرسی یک ساعته‌ی فعالان مدنی کُرد در ورودی کرماشان



شماری از فعالان مدنی و سیاسی کُرد در ورودی کرماشان به مدت یک ساعت توسط نیروهای لباس شخصی مورد بازرسی و بازجویی قرار گرفتند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کُردیا، روز جمعه بیست و چهارم خردادماه، خودرو حامل جمعی از فعالان مدنی و سیاسی کُرد که عازم کرماشان بودند، در ورودی کرماشان به مدت یک ساعت از سوی نیروهای لباس شخصی مورد بازرسی قرار گرفت و از برخی از آنها بازجویی به عمل آمد. هیوا احمدی، اجلال قوامی، حسن محمدی، طاهر سنندجی، صباح رحیمی، اقبال مرادی و فرهاد باغبانی از فعالان مدنی بودند، که مورد بازرسی و بازجویی قرار گرفتند، این فعالان مدنی سفر خود را نیمه تمام گذاشته و به سندج بازگشتند. به گفته یک منبع آگاه، نیروهای لباس شخصی برای جلوگیری از برگزاری مراسم انجمن توسعه و ترقی کرماشان مانع ورود این فعالان کُرد به کرماشان شدند. همچنین نیروهای لباس شخصی به این فعالان کُرد گفته بودند که هرچه زودتر کرماشان را ترک و دنبال فتنه انگیزی نباشند

برگزاری سومین نشست ماهانه شعر در ایلام



قرات شده، نکاتی از سوی شعیب میرزایی در رابطه با ویژگی‌های شعر مدرن کُردی و پتانسیل‌های ویژه شعر و ادبیات کُردی جنوبی عنوان شد. آذرماه سال ۹۷، انتشارات «اشور» برای فعالیت در حوزه زبان و ادبیات کُردی جنوبی مجوز گرفت و روز یکشنبه بیست و هشتم بهمن‌ماه همان سال آغاز به کار کرد.

برگزاری سومین نشست ماهانه شعر در ایلام دفتر انتشارات باشور در ایلام برگزار شد. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کُردیا، روز دوشنبه بیست و هفتم خردادماه، سومین نشست ماهانه شعر با حضور شاعر شعیب میرزایی و جمعی از شاعران و نویسندگان ایلام، و علاقه‌مندان شعر و ادبیات در دفتر انتشارات باشور برگزار گردید. در این نشست علاوه بر شعرخوانی و نقد و بررسی آثار

درگیری شهروندان اشنویه با نیروهای سپاه پاسداران



در همین رابطه نیز، روز یکشنبه بیست و ششم خردادماه، نیروهای سپاه پاسداران روستای «قره‌سقل» از توابع اشنویه را محاصره و رفت و آمد شهروندان را کنترل کردند. نیروهای سپاه در جاده اصلی این روستا نیز اقدام به ایجاد

درگیری شهروندان اشنویه با نیروهای سپاه پاسداران درگیری میان شهروندان اشنویه و نیروهای سپاه پاسداران روی داد. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کُردیا، روز دوشنبه بیست و هفتم خردادماه، نیروهای سپاه پاسداران با شهروندان اشنویه درگیری و شهروندان از ضبط گوشی موبایل دو جوان کُرد جلوگیری کردند. یک منبع آگاه در این باره به آژانس کُردیا اعلام کرد: این درگیری در مقابل پاسگاه صمدی روی داده و نیروهای سپاه پاسداران مجبور به ترک محل درگیری شدند.

توپاران سپاه پاسداران آتش‌سوزی مراتع جنگلی مریوان را در پی داشت

پاسداران به بهانه حضور نیروهای احزاب کُرد اپوزیسیون حکومت ایران اقدام به توپاران کوه میراجی کرده‌اند. ساکنین بومی مناطق کردستان بر این باورند که نهادهای امنیتی - نظامی حکومت اسلامی ایران به بهانه‌ی حضور و اختفای نیروی احزاب کُرد اپوزیسیون حکومت، این جنگل‌ها را به آتش می‌کشند. همچنین به گفته شهروندان، در بسیاری از موارد نظامیان حکومتی از اطفاء حریق مراتع جنگلی کردستان جلوگیری می‌کنند و نهادهای مرتبط حکومتی هیچ اقدامی جهت کنترل آتش‌سوزی انجام نمی‌دهند.



توپاران سپاه پاسداران آتش‌سوزی مراتع جنگلی مریوان را در پی داشت. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کُردیا، روز سه‌شنبه بیست و هشتم خردادماه، کوه «میراجی» مریوان هدف توپاران نیروهای سپاه پاسداران قرار گرفت. به

انتقال تسلیحات نظامی به شهرستان کامیاران



پس از بازدید فرماندهان سپاه پاسداران صورت گرفته است. روز جمعه هفدهم خردادماه، محمد پاکپور فرمانده نیروی

سپاه پاسداران تسلیحات نظامی را به شهرستان کامیاران انتقال داد. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کُردیا، روز شنبه بیست و پنجم خردادماه، سپاه پاسداران اقدام به انتقال تسلیحات نظامی به شهرستان کامیاران کرد. به گفته یک منبع آگاه، این تسلیحات نظامی از سندج به پایگاه عملیاتی سپاه پاسداران در روستای «گشکی» و ارتفاعات شاهو منتقل شده‌اند. این منبع افزود: سپاه پاسداران در حین انتقال سلاح‌های سنگین به کردستان برای حفاظت از اداوات جنگی

از نیروهای نظامی و اطلاعاتی به صورت نامحسوس استفاده می‌کند. انتقال سلاح‌های سنگین به ارتفاعات شاهو